

Monsieur et respectable Vainy
ayant expliqué au Mirza haneyne que
vous teniez leste Publique sous la Couronne
Parance de l'College Royal; le sieur même
Il ma bridé la Verté de Joubin en que
Culit que vous pourriez Inquies d'Inquies
ou plutôt Inscription mette a la suite
de votre appartement

J'ai l'honneur d'être avec un attachement
Respectueux Monsieur

Paris le 3 fev. 1789
Votre très humble et
très obéissant serviteur
Rousseau

a Monsieur Ruffin
à Paris

کتابخانه کتب خطی
کتابخانه کتب خطی

کتابخانه کتب خطی
کتابخانه کتب خطی

کتابخانه کتب خطی
کتابخانه کتب خطی

کتابخانه کتب خطی
کتابخانه کتب خطی

کتابخانه کتب خطی
کتابخانه کتب خطی

کتابخانه کتب خطی
کتابخانه کتب خطی

کتابخانه کتب خطی
کتابخانه کتب خطی



و ان عظم دولت است بجمع اهل علم
و ان عظم دولت است بجمع اهل علم

عظم است علم این بزرگان
عظم است علم این بزرگان

همان که در پیش پادشاهان
همان که در پیش پادشاهان

شایسته است علم این بزرگان
شایسته است علم این بزرگان

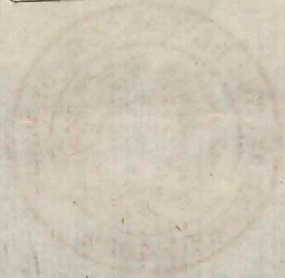
چو در حکمت قدا فرزند چو در فضل انجمن
چو در حکمت قدا فرزند چو در فضل انجمن

توان دید آب و آتش را یکجا بی ضرر
توان دید آب و آتش را یکجا بی ضرر

عظمت است علم این بزرگان
عظمت است علم این بزرگان

بآن وقت اگر خواهند پند
بآن وقت اگر خواهند پند

2



در ۱۹ ابریل جواب داده شد ۱۸۹۱

صاحبام عالی شان دولت مولی روضی

بیاچار

هسواره سنال امالی دامال عاچاه شوکت و عظمت و شکاه رفیق و شہامت پناہ زید غره و شرف در جو

روزگار سرسبز در میان لعل بدی و آسپی مرصاد نمہ وجودہ ^{بر جوئی} نہ بعد از نظر دعوات و ایفات اجابت غایات

مشہود میدارد کہ فہر از ناچہ کہ در اول روز ما اکت پیدا آوری محض خود ارسال فرمودہ بودند در بہترین وقتی از ادقات رسیدہ

محتوی بر سلائی ذات شریف بود بسیار خوشحال و فرح افروز و مخلص سابقا نیز میدانست کہ ملازمان دوست حقیقی من میشدہ لیکن با نچہ

نمی دانست در نوشته با ثابت شد کہ چہ قدر شفقت دارید اگر حیات باقی باشد کمترین نیز حق خدمت را بجای خواهد آورد فرمای

کہ در آنو لاشہ مطلق آمانت و اتمہ تر از اول شدہ است و خواهد شد امورات پادشاہ با قبل ازین پایہ و مرتبہ کہ پادشاہ شہما داد

مبارک باد را تو تم اتقی زیادہ برین لیاقت داشتید در خصوص مقدمات اینطرف زیادہ ارضه خوشحال شدم بنا بر نوشته شما کہ

بسی این وزیر غراب چہل و چہار تو پی کہ پادشاہ با ما مقط انعام نموده اند من این احوال را مناسب ندانستم کہ بوزیر

بنویسم کہ مطلقہ در این امر تا خودش بفرع ید و با ما مقط ہم خود انمقدّمہ را نوشتیم اما این جز را بنوع دیگر رساندم

باقی انتظار داریم کہ امر وزیر در امور مقط و بصرہ معلوم شود و خطی کہ بوزیر می نویسم حال معلوم ننمای شود کہ اخراجات بزرگ گشتہ

موسی سردارہ حال کار غیر از مواجب خودش سالی صد و بیست تومان از خودم دادم کہ در بصرہ سکنا کند باقی مانده است تقدّمہ

موسی و وال چون نوشته اید کہ بسیار خوشحال شدم در باب التیام تو و موسی و وال من آنچه طریقہ حیرت خوانی و دوستی است

بجای آوردم لیکن بہ قدر سعی بنہایم من در امر پیش باشم او میخواہد از من بالاتر و شہر باشد یعنی در دوستی اگر من با او بسیار نزدیک شوم

او خود را بندہ میکند و بہر سال براہ دوستی و خدمت گذاری بوزیر نوشت کہ اگر مفرمانند بہ بصرہ میردم و سکنا میکنم اما

من قیاس میکنم کہ چند ماہ دیگر نوشته است کہ مواجب من کم است و اخراجات چندین در بصرہ لازم است این سبب شد کہ

مقدّمہ مقط و بصرہ موقوف است تا حالا او خوشش روز بزرگ بشود چون نشدہ است کہ در جانی کہ شخصی کہ باہر دادم

داشتہ باشد سعی او باشد کہ بزرگ خودش را بپرود کند یا جای دیگر نفرستد از آنجہ در جہنم پایہ یکا وہ سالست در جہنم

و یکا دوازده سالست در مصر است کہ شما اسمہ را نشان را بہتر از من میدانید ہیچ نشنیدم کہ کپار رسمی کرده باشند

Handwritten marginal notes in Persian script, including the number 1891 and various phrases.



در ۱۹ ابریل جواب داداش بزبان فارسی

بخدمت عالیشان میسرمان صاحبام دوست
موسی زریں

معلوم آن در زنده بماند که بسیار وقت شد که خط شفقت فرموده اید البته فرصت نشد مانع بجز بماند و دیگر برای صاحبام
 از این خبرها قریب قریب که از پایتخت ما معلوم من بشود متعجب شدم و عقلم هیچ نمیرد و نه میدانم که خوش بکار بود که همین
 بدعا مشغولیم که آنچه خیرت و وطن است نشان سلطنت آنرا خدا تعالی میسر بکند و خصوصاً امید که بدوستان و برانان که
 تو که پادشاهند ضرری یا از آری زسد البته ملت من از آن صاحبام دوست حقیقی این خط که در دو کلمه زبان فارسی اجزای
 صحیح آن صواب را بنویسند تا ما هم بدانیم که اصل این مقدمه چه طریق طی خواهد شد و دیگر یک باره فرنگی که این عرض
 مفصل است معلوم شما خواهد شد که نیت دائم که بعد از یک سال روانه بخدمت شوم ملت من که شفقت فرموده در این
 باب مصلحت خود را بر می ماند که این رکود من به پاریس در این وقت مناسب میگذرد یا نه و چه امیدواری متعاقب کرد
 در آمدن من اگر میدانید که وقت مناسب است یک سال زیاد یا دو سال موندن در اینجا هم مانع نیست هر نوع
 بدانند بنویسند ما عمل می نمود و دیگر معلوم می شود که مقدمه مسکت را وزیر موقوف غور است این با من
 در موسی دیفال ضرر یا فایده ندارد اما از این سبب موسی مکتبه ترجمان و فارسی غیر فریغ کرد و عفاش منفر شد
 و تا امروز مجال نیامده است میدانید که غیر از واجب خود که دارد از برای سکای بصره من سایر بیخ تا شن
 در این مورد که اعتبار اسم فرسیه در بصره هم مقرر بجا بماند و این اخراجات و بدهیها هر سال تا امروز
 کشیدم بر امیدواری آنکه در وقت برکشتن من بفرنگ و در این را بعنوان انعام که من بشفقت بخند کرد
 نهایت اسال ترجمان فرنگی از سر خود پیش و بی موصی من خانه بصره را تمام خراب کرده پول از مردم قرض کرده
 شروع کرد خانه را به بزرگی نوساختن هر چند من و معای دیفال تو شتم که ای مرد این چه میکنی این قدر
 پول که خواهد داد به ماد و که دفعه جواب کرد که خانه را من از کیسه خود میسازم شما چه کار دارید
 حال قرض دار و حیران مانده سفیل مجهول شده حیران مانده که چه کار کند من و موسی دیفال مصلحت
 کردیم و دیدیم که این چاره دیگر ندارد غیر از آنکه به وزیر مقدمه را عرض نمایم و ملت من کنیم که این مبلغ را
 از برای مهت خان شاه بصره شفقت فرمایند این مرض های ما که بوزیر میر کنند بسیار ملت من هم شما میکنم

در ۱۹ ابریل جواب داداش بزبان فارسی
 بخدمت عالیشان میسرمان صاحبام دوست
 موسی زریں
 در ۱۹ ابریل جواب داداش بزبان فارسی
 بخدمت عالیشان میسرمان صاحبام دوست
 موسی زریں
 در ۱۹ ابریل جواب داداش بزبان فارسی
 بخدمت عالیشان میسرمان صاحبام دوست
 موسی زریں
 در ۱۹ ابریل جواب داداش بزبان فارسی
 بخدمت عالیشان میسرمان صاحبام دوست
 موسی زریں

لصبر اللعمر آة اللعالم كبحر الكبرياء خزانة القدر والفضل صلح
للمنطق والفضل للخلق الخلق بربيعنا من اللسان الكمال
اللعنات العاقبة

وهو من كبريتي كبريتي وهو من كبريتي كبريتي وهو من كبريتي كبريتي
وهو من كبريتي كبريتي وهو من كبريتي كبريتي وهو من كبريتي كبريتي

فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته
فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته

فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته
فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته

فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته
فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته

فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته
فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته

فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته
فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته

فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته
فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته

فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته
فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته

فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته
فصل في وصف ربيع حمارين طلس لاجبي معلوم لوجهه ولانته

وهو من كبريتي كبريتي وهو من كبريتي كبريتي وهو من كبريتي كبريتي

وهو من كبريتي كبريتي وهو من كبريتي كبريتي وهو من كبريتي كبريتي

5

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

mai pers 112, piece 6